

H۱ صادق ترین معلم

جعفر بن محمد معروف به امام صادق (علیه السلام) ششمین امام شیعیان دوازده امامی هستند. ایشان به دلیل جایگاه علمی خاصشان به رئیس مذهب جعفری مشهور هستند. امام صادق (علیه السلام) چهار هزار شاگرد را پرورش دادند، که همین مسأله ترس و نفرت حکومت وقت را تحریک کرد. بسیاری از شاگردان ایشان جایگاه علمی بالایی یافتند و تعدادی از آنها مکاتب فقهی جدیدی را پایه‌گذاری کردند.

اغلب علوم و فقه شیعه توسط امام صادق (علیه السلام) و در مدت ۳۴ سال امامت ایشان تعلیم داده شد؛ به همین دلیل است که فقه شیعه را فقه جعفری می‌نامند.

پس از شهادت ایشان، شیعه به دو دسته تقسیم شد؛ اسماعیلیه که معتقد به امامت اسماعیل فرزند ایشان بود و شیعه دوازده امامی که معتقد به امامت امام کاظم (علیه السلام) است.

با توجه به مرجعیت علمی و تعداد بسیار زیاد شاگردان این امام بزرگوار این سوال مطرح می‌شود که چرا ایشان برای تشکیل حکومت اسلامی اقدامی نکردند؟ در این مقاله برآنیم که با مرور حیات سیاسی و شرایط عصر امام پاسخی برای این سوال ارائه کنیم.

H۲ شرایط عصر امامت امام صادق (علیه السلام)

واضح و روشن است که هدف و غایت تمامی اهل بیت (علیهم السلام)، تشکیل حکومت اسلامی واحد و اجرای حقیقت اسلام ناب در قالب این حکومت بود. اما نکته بسیار مهم و سرنوشت‌ساز این است که باید شرایط و بستر ایجاد این حکومت فراهم می‌شد. وجود موانع جدی برای برپایی حکومت اسلامی در عصر امام صادق (علیه السلام) نیز کاملاً مشهود است. به منظور تشریح موقعیت امامت حضرت و دلایل محکمی که مانع امام برای تشکیل حکومت اسلامی می‌شد، به بررسی اجمالی این موانع می‌پردازیم:

H۳ سقوط بنی امیه

امامت امام صادق (علیه السلام) مقارن با ضعف و انحطاط حکومت بنی‌امیه بود. خلفای اموی به شدت از امام و شعارهای عمیق و مکتبی ایشان می‌ترسیدند. امام در این دوره به صراحت از حق حکومت خود و پدرانشان تا امیرالمؤمنین (علیه السلام) سخن می‌گفتند.^۱ در نهایت بر اثر فعالیت‌های همه‌جانبه امام و شیعیانشان، وضع منقلب شد و بنی‌امیه سقوط کرد.

H۳ روی کار آمدن جریان منافقی به نام بنی‌عباس

بزرگان حکومت بنی‌عباس، همان افرادی بودند که دوش به دوش امام صادق (علیه السلام) و بنی‌هاشم برای سرنگونی بنی‌امیه نقشه می‌ریختند و برنامه‌ریزی می‌کردند. چهره‌های شاخص بنی‌عباس مانند منصور، احمد سفاح و داوود بن عباس پس از سقوط بنی‌امیه به دشمنان جدیدی برای امام و یارانشان تبدیل شدند. کارگزاران این جریان نفاق که پیش از این هم‌سفره امام بودند و در میان یاران

کافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۶۶^۱

ایشان نفوذ کرده بودند، از جزئیات زیادی آگاه بودند و همین مسئله دست امام را بسته و عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود. در حقیقت مبارزه با حکومتی تازه نفس و فریبکار که باطن زشت آن بر مردم مشخص نیست، به مراتب دشوارتر است.

۳۳ اندک بودن تعداد یاران، مانع همیشگی تاریخ امامت

تعداد فراوان شاگردان و صحابه مدعی دلیل بر صدق و مودت حقیقی آنها نیست. تشیع پس از روی کار آمدن بنی عباس به وضعی درآمده بود که امام صادق (علیه السلام) در جواب یکی از یارانشان که علت قیام نکردن ایشان را پرسید، گفتند: «اگر به تعداد گوسفندهای این گله آدم داشتم، قیام می کردم.» آورده اند که تعداد گوسفندهای آن گله تنها هفده عدد بوده است.^۲

۳۳ تبلیغات منفی علیه بنی هاشم

با این که بنی امیه سقوط کرده بود اما مردم هنوز تحت تأثیر تبلیغات و اقدامات نادرست آنان بودند. فقر فکری و نقص جدی در ایمان اغلب مردم مشهود بود و تأثیر تبلیغات قوی بنی امیه علیه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان ایشان در قلبها ریشه داشت، تا جایی که اغلب مردم بنی هاشم را ضد اسلام می دانستند. لذا افکار مردم نیازمند درمان جدی، روشن سازی و تبیین بود.

۳۳ حصر شدید امام توسط بنی عباس

در مدت ده سال اول حکومت بنی عباس امام صادق (علیه السلام) با برگزاری مجالس درس و بحث چندین هزار روایت را به دست شیعه رساندند. پس از آن که بنی عباس تمام مخالفان و دشمنان حکومت خود را از میان برداشته و به فراغتی رسیدند، متوجه شدند که جعفر بن محمد (علیه السلام) در حال طرح ریزی انقلابی بزرگ هستند. بنی عباس که خود در گذشته پای همین دروس نشسته بودند، به خوبی می دانستند که جدی ترین تصمیمات و مخلص ترین افراد در همین حلقه های درس و بحث ساخته می شوند. در نتیجه بنی عباس که خطر را به درستی احساس کرده بودند، تبعیدهای مکرر امام را آغاز کردند.^۳ دایره حصر امام به حدی تنگ شد که اصحاب ایشان در پوشش های نامحسوس به حضور امام می رسیدند؛ مانند آن راوی معتمدی که در لباس خیارفروش به خدمت امام رسید.^۴

۳۲ تصمیم امام در موقعیت زمانی خود، چه بود؟

در آن زمان که اکثریت مردم فریب انقلاب دروغین بنی عباس را خورده و خواص به یأس و سرخوردگی از هرگونه حرکت انقلابی دچار

کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۴۲^۲

تاریخ الشیعه، علامه محمد حسین مظفری، ص ۵۲^۳

بحار آنوار، علامه محمدباقر مجلسی، ج ۴۷، ص ۷۱^۴

شده بودند، امام با موقعیت عجیبی رو به رو بودند. ایشان باید چند اقدام مهم را به صورت هم‌زمان انجام می‌دادند تا مقدمات یک حکومت اسلامی را پی‌ریزی کنند:

- خنثی کردن تبلیغات منفی علیه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و فرزندانشان.
- آشکار کردن ذات دروغگو و منافق بنی‌عباس.
- آشکار کردن غصب خلافت.
- نشر و تبیین تفکر شیعه.
- تربیت مردم برای حرکت و قیام.
- تعقیب مبارزات تبلیغاتی و ایدئولوژیک با کمال شدت.
- دور هم جمع کردن مبارزان سرخورده و از دست رفته.
- احیاء دوباره تشکیلات شیعه.

در حقیقت، امام صادق (علیه‌السلام) باید از نو همان مراحل را که امام سجّاد (علیه‌السلام) پس از واقعه‌ی عاشورا طی کرده بودند، می‌پیمودند. امام تا آخرین لحظات عمر مبارک خود، قدمی از این مواضع انقلابی عقب نرفته و لحظه‌ای از این اهداف دور نشدند. اقدامات حیرت‌انگیز ایشان و خدمات بی‌شماری که در این راستا ارائه کردند، زمینه را برای ادامه‌ی این آرمان و هدف در عصر امام بعدی آماده کرد.

با این حساب می‌بینیم که امام صادق (علیه‌السلام) تمام عمر پربرکت خود را در مسیر مبارزه گذراندند و همواره در مسیر تحقق حکومت اسلامی تلاش کردند. تلاش و مبارزه‌ای که سبب حفظ و بارآوری دوباره مکتب شیعه و دوام آن بوده است. اگر حدیث یا روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) در خاطر دارید، در بخش نظرات با ما به اشتراک بگذارید.